

غزل شماره ۲۲۹

بخت از دهان دوست نشانم نمی دهد

دولت خمر ز راز نهانم نمی دهد

از بهر بوسه ای ز لبش جان همی دهم

اینم همی ستاند و آنم نمی دهد

مردم در این فراق و در آن پرده راه نیست

یا هست و پرده دار نشانم نمی دهد

زلفش کشید بادِ صبا چرخِ سِفله بین

کاجا مجالِ بادِ وزانم نمی دهد

چندان که برکنار چو پرگار می شدم

دوران چو نقطه ره به میانم نمی دهد

شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی

بد عهدی زمانه زمانم نمی دهد

گفتم روم به خواب و بینم جمالِ دوست

حافظ ز آه و ناله امانم نمی دهد

تفسیر فال

صبر کرده‌ای، تحمل کرده‌ای و در مسیر عبادت و بندگی گام برداشته‌ای، اما با این حال نشانه‌ای از رسیدن به مرادت را نمی‌بینی. این احساس ناامیدی می‌تواند تو را غرق در افکاری کند که گویی دیگر برای جبران ضررها و ناکامی‌هایت هیچ فرصتی نداری. به نظر می‌رسد که بی‌وقفه دور خود می‌چرخ، بدون اینکه پیشرفتی ملموس یا تغییر قابل توجهی را تجربه کنی. اما باید بدانی که عاقبت اجر صبر و استقامت تو نمایان خواهد شد. با گذشت زمان، آنچه را که در دل داری و برایش تلاش کرده‌ای، خواهی دید و در این لحظه شگفت‌انگیز، تمام بدعهدی‌های زمانه را فراموش خواهی کرد. این سفر صبوری تو نه تنها تجلی اراده‌ات بلکه نشانه‌ی استقامتت در برابر چالش‌های زندگی است؛ زیرا همیشه پس از تاریکی‌ها روشنایی وجود دارد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)